

اسلامی» ارایه دادند؛ از مهدی کلهر که شناخت وسیعی از فقه داشت تا محمدرضا جعفری جلوه که منش عارفانه‌اش کمک حال سینمای ایران بود تا مرحوم سیف‌الله داد که شیوه اجرایی نوینی را در سینما پایه‌گذاری کرد و جواد شمعدانی که نگاهش همیشه قابل تأمل بوده اما مبنای ایدئولوژی‌اش در روش اجرایی و مدیریتی‌اش مثل تثبیت قانونی خانه سینما مفید و موثر نبود، حتی محمد خزاعی که که اهل تعامل و گفت‌وگو و همدلی بود و انصاف‌دار رونق بخشی اقتصاد سینمای ایران البته برای عده‌ای از اهالی آن گام مثبتی برداشت. باید تأکید کرد که هر کدام از مدیران گذشته، ضمن موفقیت‌هایی در جایگاه خود، نتوانستند رضایت نسبی بین سینماگران و تماشاگران و توقعات و انتظارات جناح‌های سیاسی فراهم آورند و همیشه فضای مناقشه و جدل مهیا بود و الان پس از گذشت بیش از ۴۰ سال فضای سینمای ایران فضای مطلوب و مورد پسندی نیست!



**گمان می‌رود برخی یا از درک قدرت این رسانه عاجزاند یا این که این رسانه را رقیب جدی می‌دانند و با روش‌های پنهان، در صدد حذف و یا تزئینی نگاه کردن به این پدیده مدرن یعنی تکنولوژی سینما هستند. در هر صورت تا خود آگاه و یا آگاهانه در صدد تیشه زدن به ریشه خود هستند، چون تکنولوژی روز به روز در حال ترقی و پیشرفت است و مخاطب ایرانی راه خود را انتخاب می‌کند**

می‌توانم اسم ببرم اما یک نمونه‌اش روش غلط سالن‌سازی به جای فیلم‌سازی در شرایط حاضر است. در دنیای امروز دیگر حاکمیت به انبوه‌سازی سالن‌های سینمایی اهمیت نمی‌دهد بلکه انبوه‌سازی تولید فیلم که هویت ایرانی داشته باشد تا سکوها و موقعیت نمایش عرصه‌های جهانی را تسخیر کند مهم است و متأسفانه ما در این زمینه بسیار ضعیف عمل کردیم و سینمای ایران پر شده از فیلم‌هایی با بن‌مایه طنز سخیف.

گمان می‌رود برخی یا از درک قدرت این رسانه عاجزاند یا این که این رسانه را رقیب جدی می‌دانند و با روش‌های پنهان، در صدد حذف و یا تزئینی نگاه کردن به این پدیده مدرن یعنی تکنولوژی سینما هستند. در هر صورت ناخودآگاه و یا آگاهانه در صدد تیشه زدن به ریشه خود هستند، چون تکنولوژی روز به روز در حال ترقی و پیشرفت است و مخاطب ایرانی راه خود را انتخاب می‌کند.

چه بهتر آن که دولت جدید متناسب با تکنولوژی‌های روز، روش‌های نوین را جایگزین روش‌های کهنه کرده تا بهتر و مطلوب‌تر به اهداف متعالی و ارزشمند خود برسند.

در پایان باید بگویم نزدیک به ۵۰ سال مدیران مختلف (متعهد و انقلابی و نیمه‌متعهد و انقلابی!) در راس سینمای ایران قرار گرفتند و هر کدام مهارت و تخصص مدیریتی را در پیشبرد مبانی «سینمای ایران در جمهوری

رشد فعالیت اجتماعی سیاسی و حتی اقتصادی جامعه خواهد شد.

**چهارم: تعامل و همدلی کردن با کج اندیشان به ظاهر دلسوز و یا سکوت در قبال آنان روش غلط مدیریتی شجاع و آینده‌نگر است، به خصوص آن که آنان را در سمت‌هایی هم بگمارند و از آنان به عنوان سکان‌دار کنترل شرایط بحران استفاده کنند.**

**پنجم: مدیریتی دانا و متناسب با نیاز روز لازمه چنین ستمی است. کسی باید بر این سمت‌ها منصوب شود که افق و آینده را بر اساس ثبات حاکمیت و حفظ منافع ملی درک کند و آشنا بر روش‌های نوین مدیریتی کارآمد باشد.**

### انبوه‌سازی سالن به جای انبوه‌سازی فیلم

این‌ها موضوعاتی است که نادیده گرفته شده یا کمتر به آن توجه کرده‌ایم. حال سوال من این است کسی که نمی‌داند شرایط روز سینمای جهان به کدام سمت می‌رود و یا این گونه می‌گارد که آینده تکنولوژی ماهواره و اینترنت اتفاقات خطرناکی را رقم می‌زند، می‌تواند از پس بسیاری از معضلات و چالش‌ها به در آید؟ یا اینکه کسی که نمی‌داند چگونه می‌توان عزت‌مندانه در شرایط هجوم‌های فرهنگی نقشه راه مناسبی را برای آینده تبیین و تعیین کرد چگونه می‌تواند بر مسند سخت و دشواری بنشیند؟ نمونه‌های بسیاری را

